

دوگانگی در معماری و مرمت

نویسنده اول¹* علی شهسوار، نویسنده دوم² ندا سلطانی

1- کارشناس ارشد معماری ، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز ، alishahsavar@yahoo.com

2- کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناها و بافتهای تاریخی، دانشکده مرمت دانشگاه هنر اصفهان . neda_soltani1983@yahoo.com



چکیده

قرن بیستم را می توان مهمترین دوره در تاریخ تحولات معماری و مرمت دانست. نظریه های ارائه شده و به تبع آن سبکهای بوجود آمده در معماری و مرمت در این قرن از گستردگی و تنوع فراوانی برخوردار بوده اند. همواره بین نظریات و سبکهای معماری و نظریه ها و مصوبات جهانی مرمت، روابط بنیادین مطرح بوده است. گو اینکه در برخی موارد، اختلافات در مسائل گوناگون به نوعی معماری و مرمت را رو در روی هم قرار داده است، اما گذر زمان معمولاً یکی را به تبعیت از دیگری واداشته است. اولین منشور مرمت، در راستا و تحت تاثیر نهضت معماری مدرن است. با گذشت حدوداً سه دهه، کم کم تفکرات پست مدرنیسم در حوزه معماری مطرح شد. منشور ونیز به سال 1964، مبین تفکرات پست مدرن در مرمت است؛ توجه به جنبه های تاریخی و مخالفت با اصول مدرنیسم که همزمان با تلاقی متفکران معماری در این دو حوزه است. سیر کلی اندیشه های مرمتی پس از منشور ونیز، معمولاً با تاکید بر فرهنگهای محلی و راه حلهای محلی در مقابل سبک جهانی است. در دهه های پایانی قرن بیستم، فلسفه های دیکانستراکشن و فولدینگ وارد حوزه معماری شد. مفاهیم مطرح شده در این اندیشه ها، نظیر دوگانگی، تضاد، تقابل و انعطاف پذیری حاکی از آن است که معماری در مسیر آینده خود، جنبه های علمی - فلسفی را ارجح بر مسائل هنری - تاریخی می داند و این می تواند منجر به ایجاد شکافی عمیق در روابط معماری و مرمت گردد.

واژه های کلیدی: معماری، مرمت، منشور آتن، پست مدرنیسم، دیکانستراکشن